

**Mission of Kurdistan: Investigating the Activities of
American Lutheran Missionaries in Saujblag Mukri
(from 1911 AD/1290 SH to 1937 AD/1316 SH)
(Based on the contents of Kurdistan journal)**

Kamran Sanaee* , Hossein Rasouli**

Abstract

The settlement of Christian and Jewish religious minorities in Kurdistan, as well as the necessity of missionary activities among the Kurds and efforts to promote Christianity among them, made the missionary associations pay a special attention to Kurdish areas from the very beginning. Mukri province, located in the city of Savojbalag (the present Mahabad), one of the Kurdish-inhabited provinces of Iran, located in the south of Lake Urmia, was one of the areas that was the focus of various missionary groups during the Qajar era. The American Lutheran Christian Mission known as the "Kurdistan Mission" was one of the most active missionary groups that started extensive activities in the city of Savojbalag during the Qajar and early Pahlavi periods. The current study aims to provide an answer in a descriptive-analytical way to this question: What actions and for what purpose did the Kurdistan Mission carry out in Savojbalag during its different periods of activity and what was the reaction of the residents towards their presence and activities? The findings of this study show that the city of Savojbalag because of its border situation, commercial location and the residence of religious minorities and foreigners there was very important for the American missionaries, and during the three periods of their

* Master in History of Iran in Islamic period, Urmia University, sanaeekamran@yahoo.com

** PHD Graduate in History of Iran in Islamic Period, Tabriz University (Corresponding Author),
hosseinrasouli57@yahoo.com

Date received: 2022/07/12, Date of acceptance: 2022/11/21



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

presence in that city, they carried out cultural, medical and service activities in that city in order to pave the way for their missionary activities.

Keywords: The Mission of Kurdistan, American Missionaries, Savojblag Mukri, Christianity propagation, foreign schools, medical activities



مسیون کردستان: بررسی فعالیت میسیونرهای لوتری آمریکا در ساوجبلاغ مگری (از ۱۹۱۱م/۱۲۹۰ش تا ۱۹۳۷م/۱۳۱۶ش) (با تکیه بر مطالب ماهنامه کردستان میسنری)

کامران ثنائی*

حسین رسولی**

چکیده

مسیونرهای لوتری آمریکایی از جمله گروههای میسیونری مسیحی بودند که در دوران قاجار در نقاط مختلف ایران شروع به فعالیت کردند. سکونت اقلیت‌های مذهبی مسیحی و یهودی در کردستان و همچنین ضرورت فعالیت‌های تبلیغی در میان کردها و تلاش برای ترویج دین مسیحیت در میان آنها باعث شد تا از همان ابتدا انجمن‌های میسیونری توجه ویژه‌ای به مناطق کردنشین داشته باشند. ولایت مگری به مرکزیت شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) یکی از ولایات کردنشین ایران واقع در جنوب دریاچه ارومیه از جمله مناطقی بود که در دوران قاجار مورد توجه گروههای مختلف میسیونری قرار گرفت. میسیون مسیحی لوتری آمریکایی موسوم به «مسیون کردستان» از جمله فعالترین گروههای تبلیغی بود که فعالیت‌های گسترده‌ای را در شهر ساوجبلاغ در دوران قاجار و اوایل پهلوی آغاز کرد. پژوهش حاضر بر آنست تا به شیوه توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که میسیون کردستان در دوره‌های مختلف فعالیت خویش در ساوجبلاغ چه اقداماتی را و با چه اهدافی انجام داده و واکنش اهالی نسبت به حضور و فعالیت‌های آنها چه بوده است؟ یافته‌های

* کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه ارومیه، sanaeekamran@yahoo.com

** دانش آموخته دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)،
hosseinrasouli57@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۳۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

پژوهش نشانگر آنست که شهر ساوجبلاغ به علت موقعیت مرزی، تجاری و سکونت اقلیت‌های مذهبی و اتباع خارجی در آنجا اهمیت بسیاری برای مسیونرهای آمریکایی داشته و آنها در طی سه دوره حضورشان به منظور تسهیل فعالیت‌های تبلیغی، اقدامات فرهنگی، پزشکی را در آن شهر انجام داده‌اند. هر چند در ابتدا حضور مسیونرهای آمریکایی با واکنش منفی اهالی روبرو شد اما به مرور زمان و با گسترش اقدامات بهداشتی و خدماتی، از میزان مخالفت‌ها کاسته شد.

کلیدواژه‌ها: مسیون کردستان، مسیونرهای آمریکایی، ساوجبلاغ مگری، تبلیغ مسیحیت، مدارس خارجی، فعالیت‌های پزشکی

۱. مقدمه

فعالیت مبلغان مذهبی مسیحی در ایران که پس از سقوط صفویان کاهش یافته بود، در دوران حکومت قاجار دوباره اوج گرفت. عواملی چون ضعف‌های سیاسی و اقتصادی جامعه قاجار، گسترش روابط ایران با اروپاییان، برقراری دوره‌ای از آرامش نسبی، تسهیلات و حمایت‌هایی که برخی از رجال و شاهزادگان قاجاری برای حضور اروپاییان در ایران فراهم کرده بودند و همچنین حضور اقلیت‌های قومی و مذهبی در ایران زمینه مناسبی را برای فعالیت‌های مسیونرهای اروپایی در ایران فراهم ساخت. مسیونرهایی که در آن دوران به ایران اعزام می‌شدند عمدتاً از کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه و آلمان بودند.

ولایت مگری^۱ به مرکزیت شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) یکی از ولایات کردنشین ایران واقع در جنوب دریاچه ارومیه از جمله مناطقی بود که شماری از اقلیت‌های مسیحی و یهودی در آن زندگی می‌کردند. موقعیت سرحدی آن ولایت و قرار داشتن شهر ساوجبلاغ در نقطه تقاطع راههای تجاری شمال غرب باعث شکوفایی نسبی آن شهر در دوره قاجار شده بود به همین دلیل در دوران قاجار گروه‌های مسیونری مختلفی، از جمله مسیونرهای کلیسای کاتولیک فرانسه، مسیون پرسبیتی کلیسای پروتستان آمریکا، مسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان و مسیون مسیحی لوتری آمریکا فعالیت تبلیغی را در آن منطقه آغاز کردند. به استثنای مسیون مسیحی لوتری آمریکا، فعالیت سایر گروه‌های مذکور چندان زیاد نبود و بیشتر محدود به اجرای مراسم مذهبی برای مسیحیان ساکن ساوجبلاغ بود. در این پژوهش سعی بر آنست فعالیت‌های مسیونرهای لوتری آمریکایی در ساوجبلاغ در سه دوره متفاوت حضورشان بررسی و به دلایل اهمیت ساوجبلاغ برای هیات‌های

تبشیری، چرایی و چگونگی حضور مبلغان مذهبی در آن شهر و واکنش‌های محلی به حضور و عملکرد آنها اشاره شود.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت که هرچند در برخی از منابع و پژوهش‌ها از جمله «تاریخ میسیون آمریکایی در ایران» جان الدر (۱۳۳۳)؛ «زمینه‌ها و علل تاسیس آموزشگاه توسط میسیونرهای آمریکایی برای مسلمانان ارومیه در سال ۱۸۴۰م» موسی خاموشی و حمید حاجیان‌پور (۱۳۹۵)؛ «کوشش میسیونرهای آمریکایی برای جذب نستوریه‌ها» حسین احمدی (۱۳۸۷)؛ «آشنایی ایرانیان با جایگاه زنان در جامعه آمریکایی از رهگذر مطبوعات و مدارس میسیونری در دوره قاجاریه» فرشته جهانی و علیرضا ملایی توانی (۱۴۰۰)؛ «بیمارستان و مدرسه پرستاری میسیونرهای آمریکایی مشهد» محمدکاظم رادمش (۱۳۸۸) «مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی» ویدا همراز (۱۳۹۱) اطلاعات خوبی در مورد فعالیت میسیونرهای آمریکایی در نقاط مختلف ایران وجود دارد، اما در آثار مذکور هیچگونه اشاره‌ای به فعالیت آنها در ولایت مکرری نشده است. در کتاب «مبلغان آلمانی در ایران» والد بورگر نیز اطلاعات مفیدی در مورد فعالیت‌های میسیونرهای انجمن بازل در برخی از مناطق کردنشین از جمله روستاهای کردنشین شهر ارومیه و همچنین جنوب شهر تبریز وجود دارد اما در این کتاب نیز هیچ سخنی در مورد فعالیت‌های میسیونری در ولایت مکرری به میان نیامده است. برخلاف انتظار، علیرغم حضور طولانی مدت میسیونرهای مسیحی در شهر ساوجبلاغ در منابع منطقه‌ای مرتبط با تاریخ محلی ساوجبلاغ نظیر تاریخ مهاباد، سید محمد صمدی (۱۳۷۳)؛ ساوجبلاغ مکرری (مهاباد)، فریدون حکیم‌زاده (۱۳۸۹)، به غیر برخی از اشارات جزئی مطالب چندانی در مورد فعالیت‌های میسیونرها وجود ندارد. کمبود منابع به زبان فارسی در مورد فعالیت میسیونرهای مسیحی در ساوجبلاغ مکرری یکی از عواملی است که باعث شده است تا برخلاف شهرهایی چون ارومیه، تبریز، اصفهان و... پژوهشگران و نویسندگان کتاب‌های تاریخ محلی کمتر به این موضوع بپردازند.

خوشبختانه میسیونرهای لوتری آمریکا به منظور جلب کمک‌های مردمی و همچنین آگاه ساختن اعضا و خیران مسیحی از اقدامات میسیونرهایی که در ساوجبلاغ مکرری فعالیت می‌کردند، یک ماهنامه به نام «کردستان میسنری» (The Kurdistan Missionary) را در آمریکا به چاپ رسانده‌اند. اولین شماره این ماهنامه در اکتبر ۱۹۱۰م/ شوال ۱۳۲۸ق منتشر شد. از طریق پیگیری مطالب این ماهنامه می‌توان به فعالیت‌های میسیون کردستان پی برد.

امیر حسن پور بیشتر شماره‌های این ماهنامه را در آمریکا جمع‌آوری و حسن قاضی مطالب مرتبط با مکریان آن ماهنامه را به زبان کردی ترجمه کرده است.^۲ همچنین حسن قاضی با همراهی گوران مامه‌خلانی، مستندی ۱۵ قسمتی (هر قسمت ۴۵ دقیقه) به نام «مسیون کردستان» را در رابطه با فعالیت‌های این مسیون در ساوجبلاغ تهیه و در برخی از شبکه‌های اجتماعی انتشار داده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با تکیه بر مطالب ماهنامه «کردستان میهنی» و برخی دیگر از منابع آرشیوی و غیر آرشیوی در ابعاد وسیعتری اهداف، عملکرد و نیز واکنش‌ها نسبت به هیات مسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ مکرری بررسی و تا حدودی خلا اطلاعات موجود در مورد این موضوع به زبان فارسی پر شود.

۲. اقلیت‌های دینی ولایت مکرری

ولایت مکرری در طول زمان محل سکونت شماری از اقلیت‌های دینی یهودی و مسیحی بوده که به صورت مسالمت‌آمیز در کنار ساکنان مسلمان آن منطقه زندگی کرده‌اند. این اقلیت‌ها امورات دینی خود را به صورت جداگانه برگزار و آداب و رسومشان نیز تا اندازه‌ای با دیگران متفاوت بود. عبدالرزاق اصفهانی در سال ۱۲۲۰ق/۱۸۰۵م از وجود چند خانوار یهودی و مسیحی در اشنویه خبر داده و اظهار نموده که هر ساله در روز ششم ذیحجه مسیحیان شهرهای مختلف به همراه مردم اشنویه در دیر شیخ ابراهیم در روستای بیمزرته گرد می‌آمدند و این روز را جشن می‌گرفتند (اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). راولینسون نیز که در سال ۱۲۵۴ق/۱۸۳۸م از دیر شیخ ابراهیم دیدن کرده بود، آن زیارتگاه را مربوط به اسقف آبراهام از نسطوریان دوره هلاکوخان مغول (۶۶۳-۶۱۵ق) دانسته که برای اولین بار اشنویه را مرکز فعالیت‌های خود قرار داده بود. در هنگام بازدید راولینسون ۹ خانوار مسیحی در اشنویه، و ۳۰ خانوار مسیحی و ۱۰۰ خانوار یهودی در ساوجبلاغ زندگی می‌کردند (Rawlinson, 1840: 18-29). جمعیت مسیحی‌های ساوجبلاغ که از فرقه نستوری و از پیروان مارشیمون بودند در طول سه دهه ثابت مانده بود؛ چون در سال ۱۲۳۴ق/۱۸۱۹م نیز سی خانوار و در ۱۲۵۸ق/۱۸۴۲م هم در همین حدود در ساوجبلاغ حضور داشتند. در این دوره برخی روستاها مانند تومتر و چم (مابین اشنویه و ارومیه) و دارلک در ساوجبلاغ

مسیحی‌نشین بودند. اسقف بزرگ این نسطوریان در حکاری حضور داشت و هر ساله تعدادی از مسیحیان رنج این راه طولانی را متحمل می‌شدند (Wagner, 1856: 224).

در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م در میان جمعیت ۲۹۲۷ خانواری سردشت، ۲۵ خانوار یهودی زندگی می‌کردند. محل زندگی یهودیان در سردشت عبارت بود از: سردشت ۱۲ خانوار، بیتوش ۶ خانوار، ربط یک خانوار، هندآباد یک خانوار، پاراستان یک خانوار، ورگیل یک خانوار، نستان یک خانوار، نلاس یک خانوار، ناحیه دارمه یک خانوار (خورشیدباشا، ۲۰۰۸: ۳۱۶ تا ۳۲۰). بیشتر یهودی‌های ولایت به کارهای تجاری می‌پرداختند. آنها در روزهای شنبه دکان‌هایشان را بسته و از کسب و کار دست می‌کشیدند.

در اوایل قرن چهاردهم هجری صد خانوار ارمنی در سلدوز، هشتاد خانوار در میاندوآب و شصت خانوار در ساوجبلاغ زندگی می‌کردند (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۹۵). به گفته اوین یهودیان ولایت بیشتر به کارهای خرده‌فروشی و دوره‌گردی مشغول بودند و مسیحیان نیز به زراعت می‌پرداختند. آنان با آرامش خاطر در نواحی مختلف کردستان مکرری زندگی می‌کردند. اوین همچنین به رفت و آمد و اقامت تعدادی از تاجران کلدانی و ژاکوبیت در شهر ساوجبلاغ اشاره کرده است (اوین، ۱۳۶۲: ۱۰۹ و ۱۱۴). لازم به ذکر است به دلایلی چون تبدیل شدن ساوجبلاغ به کانون منازعات روسیه و عثمانی و قتل‌عام اهالی آن شهر توسط طرفین در طول جنگ جهانی اول و همچنین قحطی فراگیر پس از پایان جنگ شمار اقلیت‌های مذهبی ساکن شهر ساوجبلاغ همانند سایر ساکنان آن شهر به نصف کاهش یافت.

۳. میسیون‌های مسیحی در ولایت مکرری

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی شمار زیادی از میسیونرهای مسیحی جهت تبلیغ دین مسیح رهسپار کشورهای غیرمسیحی شدند. این میسیونرها هر کدام به یک گروه یا میسیونری تعلق داشتند و هدف اصلی آنها ترویج دین مسیح و رساندن پیام آن دین به تمام بشریت بود. کانون توجه مبلغان مسیحی در هنگام ورود به ایران عمدتاً مناطق غیر مسلمان‌نشین بود، چرا که نه تنها احتمال رسیدن به اهدافشان در آن مناطق بیشتر بود، بلکه از مشکلات و ممنوعیت‌های تبلیغ در میان مسلمانان نیز به دور بودند. حضور اقلیت‌های مختلف مسیحی، یهودی در مناطق کردنشین و از جمله ولایت مکرری این منطقه را مرکز مناسبی برای تبلیغ و

تبشیر میسیونرها قرار داده بود. یکی از اولویت‌های اصلی میسیون بازل به عنوان اولین انجمن پروتستانی که فعالیت میسیونری خود را در ایران شروع کرد، تبلیغ در میان عشایر کرد بود؛ دولت انگلستان همواره انجمن مذکور را برای فعالیت‌های تبلیغی در میان کردها تشویق می‌کرد و از آن انجمن می‌خواست تا انجیل توسط یکی از میسیونرها به زبان کردی ترجمه شود (والدبرگر، ۱۳۷۹: ۹۴ و ۹۵). «کریستف فریدریش هاس» میسیونر انجمن بازل که ساکن تبریز بود نیز حدس می‌زد که کردها بیش از ترک‌ها و سایر ایرانی‌ها قدرت راه‌یابی به مسیحیت را دارند، زیرا به نظر او آنها «هیچگونه حالت غیرطبیعی و تصورات غلط و کاذبی در فکر و قلب خود نداشتند و از یک احساس پاک مذهبی بهره‌مند بودند» (همان: ۱۴۱). در سال ۱۸۳۲م کمیته بازل تصمیم به آغاز فعالیت‌های میسیونری در میان کردها گرفت و «کریستیان گوتلیپ هورنله» را مأمور این کار کرد. او در مه ۱۸۳۴ از شوشی به تبریز رفت و در آنجا تلاش کرد تا زبان کردی را یاد بگیرد. هدف از یادگیری زبان کردی آماده شدن برای کار اصلی میسیونری نبود، زیرا در وهله اول وظیفه او این بود که از بین لهجه‌های مختلف کردی آن گویشی را که برای ترجمه انجیل مناسب‌ترین باشد انتخاب کند. «هورنله» در نوامبر ۱۸۳۵م برای کار میسیونری به کردستان عزیمت کرد. او به زودی متوجه مشکلات و سختی‌های تبلیغ در میان کردها شد و در گزارش خود کردها را افرادی «بدگمان، آماده خشم و مملو از نفرت نسبت به کلیه بیگانگان و بویژه پیروان ادیان دیگر توصیف کرد». کمیته بازل نیز از خطرهای بسیار سفر به میان کردها کاملاً آگاه بود و «کار تبلیغ کردها را طولانی‌ترین وظیفه‌ای می‌دانست که ممکن است یک میسیونر در طول زندگی خود مشغول انجام آن باشد» (همان: ۱۴۳-۱۳۹). هورنله در یکی دیگر از گزارش‌های خود، عدم علاقه کردها به هرگونه آموزش و زندگی کردن آنها به شیوه چادرنشینی را از جمله موانع دیگر کار میسیونری در میان کردها ذکر کرده و تاکید کرده بود که از آنجا که هر قبیله دارای لهجه متفاوتی است، ارائه ترجمه‌ای از انجیل به زبان کردی که به طور کلی برای کلیه کردها قابل فهم باشد کاری ناشدنی است (همان: ۱۴۴). همین مساله باعث شد تا «هورنله» از وظیفه آتی خود، یعنی ترجمه انجیل مایوس گردد. «انجمن آمریکایی اعزام مبلغ به خارج» کلیساهای آمریکا نیز در سال ۱۸۳۲م دو تن با نام‌های اسمیت و دوایت را به منظور مطالعه در احوال عیسویان آذربایجان به ایران فرستادند. آنها از مناطق کردنشین شمال غرب ایران دیدن کرده و در گزارش خود به وجود بیش از یکصد هزار مسیحی نسطوری در آن منطقه اشاره و آنجا را بهترین منطقه برای فعالیت‌های

مسیونری دانستند. چند سال بعد اولین مسیون آمریکایی به رهبری جوستن پرکنیز در سال ۱۸۳۵م به ارومیه رسید و شروع به فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و پزشکی کرد. هدف عمده این مسیون آماده ساختن کلیسای نسطوری برای رهبری نهضت اصلاحات روحانی در آسیا بود (الدر، ۱۳۳۳: ۵).

اولین مرکز مسیونری که از فعالیت آن در ولایت مکرری آگاهیم، مربوط به کلیسای کاتولیک فرانسه بود. خانم ایدا فایفرا تریشی که در سال ۱۲۶۴ق/۱۸۴۸م از طریق رواندوز به ساوجبلاغ آمد بود، به وجود بیست خانواده مسیحی در شهر ساوجبلاغ اشاره می‌کند که تحت مراقبت مسیونری فرانسه بوده و یک کلیسای خیلی زیبا داشته‌اند. او فعالیت مسیون فرانسه را محدود به فرستادن یک کشیش جهت برگزاری مراسم و مناسک مذهبی دانسته است (Pfeiffer, 1852: 281). به نظر می‌رسد که فعالیت این مسیون با شورش شیخ عبیدالله متوقف شده است. در حوالی سال ۱۳۱۰ق/۱۸۹۳م مسیون‌پرستی کلیسای پروتستان آمریکا فعالیت خود را میان مسیحیان ساوجبلاغ آغاز نمود. فعالیت آنان در ولایت مکرری همانند مسیون فرانسه محدود به اجرای مراسم مذهبی میان مسیحیان کردستان مکرری بود و از اقدامات و فعالیت‌های آنان در میان کردها اطلاعی در دست نیست. این مسیون با شروع جنگ جهانی اول از ولایت مکرری بیرون رفت (گوفاری کوردستان میثنیری، سالی ۱۶، شماره ۴، ناوریلی ۱۹۲۵، و مرگراو له سائیتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

سومین مسیون مسیحی که به ولایت مکرری آمد، مسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان بود. این مسیون در حوالی سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م به رهبری کشیش فون‌اورتن (Pastor Von Ortzen) و همسرش جهت تاثیرگذاری بر کردها و کشاندن آنها به سوی مسیحیت به ساوجبلاغ آمدند. همراه این مسیون یک پزشک و چند نفر دیگر از جمله معلم جوانی به نام امانوئل دامان (Immanuel Dammenn) و فرد دیگری به نام «مستر اورستن» به ساوجبلاغ آمدند. نحوه فعالیت این مسیون با مسیون‌های قبلی فرق داشت. آنها از همان ابتدای ورودشان سعی در یادگیری زبان کردی داشتند و به «واعظی و معلمی و طبابت» پرداختند (همان؛ ساوخ، ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۸). مدتی بعد تبلیغات مذهبی این مسیون که دین مردم (اسلام) را هدف قرار داده بود، سبب تحریک اهالی شد. شب سوم محرم ۱۳۲۵ق/۲۷ فوریه ۱۹۰۶، گروهی از اهالی ساوجبلاغ که بیشتر آنها از ایل دهبکری بودند، بر سر مسیون مذکور ریختند. مردم خشمگین امانوئل دامان آلمانی را کشتند و مستر اورستن را

مجروح کردند. همچنین در این حادثه زن‌های میسیون هم دچار اذیت و آزار گشتند و اموال میسیونرها به غارت رفت (ساوخ، ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۸). میسیون لوتری کلیسای پوتسدام آلمان پس از این حادثه فعالیت‌هایش را در کردستان متوقف و ساوجبلاغ را ترک کردند (گوفاری کوردستان میسنیزی، سالی ۳، ژماره ۹، ژوئنی ۱۹۱۲، وهرگیراوه سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>). با این وجود میسیون پرسبیتی همچنان به فعالیت‌های خود در میان مسیحیان مکریان تا جنگ جهانی اول ادامه داد.



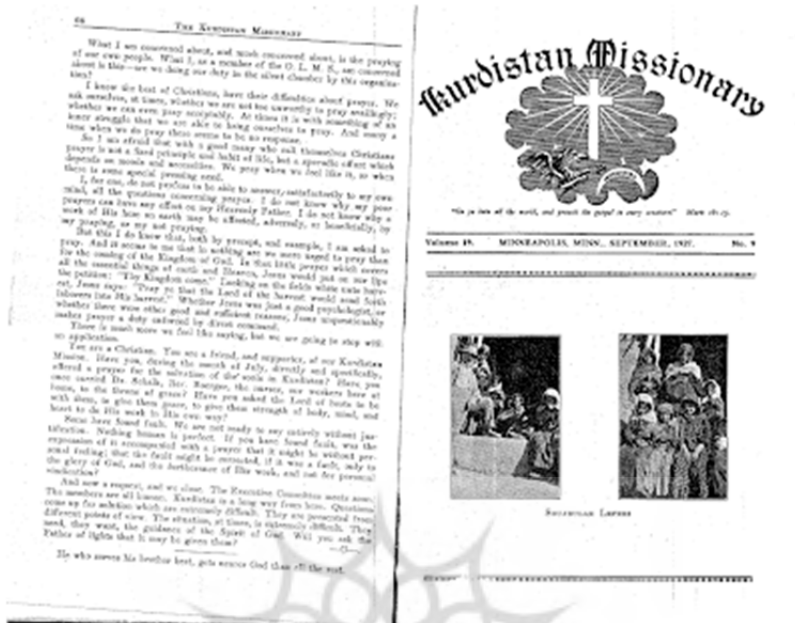
قبر مسیو دامان در حیاط یک کلیسای مخروبه در ساوجبلاغ (گوفاری کوردستان میسنیزی، سالی ۱۳، ژماره ۲، مه ۱۹۲۲، وهرگیراوه سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

۴. دوره نخست، دوره استقرار و آغاز فعالیت میسیون کردستان (میسیون مسیحی لوتری آمریکا در ساوجبلاغ: ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ق)

چند سال پس از برچیده شدن میسیون لوتری پوتسدام در ساوجبلاغ، یک کشیش آمریکایی نروژی تبار به نام لوئیس اولسن فاسوم به فکر ایجاد یک مرکز میسیونری در ساوجبلاغ افتاد. کشیش فاسوم چند سال در ارومیه در کلیسای نستوریان ارومیه کار کرده و یک بار هم به ساوجبلاغ سفر نموده بود. او پس از آن که میانه‌اش با اعضای میسیون ارومیه بهم خورد، به آمریکا بازگشت و مدتی بعد به میسیون لوتری آمریکا پیوست. اختلافات مابین میسیون‌های مسیحی در آسیا سبب شد تا در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق یک کنفرانس جهانی با حضور انجمن‌های میسیونری اروپا و آمریکادر ادینبورگ اسکاتلند برگزار و حوزه فعالیت هر

میسون تعیین شود. در این کنفرانس فعالیت میسیونری و دعوت به انجیل در کردستان به کلیسای لوتری آمریکا و اگذار گردید. این میسیون نظر به محدودیت‌های دولت عثمانی، کردستان ایران را برای ایجاد مرکز میسیونری انتخاب و به توصیه کشیش فاسوم، شهر ساوجبلاغ مرکز ولایت مکری به عنوان اولین مرکز میسیون لوتری آمریکا با نام «میسون کردستان» انتخاب شد (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>; ۹ مارس ۲۰۰۹).

علاوه بر حضور اقلیت‌های مسیحی و یهودی در نقاط مختلف ولایت مکری، دلایلی دیگر نیز در انتخاب شهر ساوجبلاغ به عنوان اولین مرکز میسیون لوتری آمریکا در کردستان نقش داشت؛ موقعیت جغرافیایی و نزدیکی آن شهر به مرزهای روسیه و عثمانی باعث شده بود تا علاوه بر بازرگانان ایرانی همواره عده‌ای از بازرگانان «موصلی، عرب، کلدانی و ژاکوبیت» نیز در شهر ساوجبلاغ به تجارت و کسب و کار مشغول باشند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴). همین امر باعث شده بود شهر ساوجبلاغ به نسبت مناطق محل سکونت ایلات و عشایر از امنیت و پیشرفت نسبی بیشتری برخوردار باشد. بی‌شک انجام فعالیت‌های تبلیغی در کردستان مکری و علی‌الخصوص شهر ساوجبلاغ که دموگان از آن به عنوان «متمدن‌ترین بخش کردستان» یاد کرده است (دمورگان، بی‌تا: ۲۰) به مراتب آسانتر از مناطق محل سکونت عشایر چادر نشین بود. همچنین رایج بودن لهجه‌ای واحد در سرتاسر ولایت مکری ترجمه انجیل به زبان کردی را امکان‌پذیر و فعالیت‌های تبلیغی را نتیجه بخش‌تر می‌ساخت. از سویی دیگر نزدیکی شهر ساوجبلاغ به ارومیه، شهری که گروه‌های میسیونری آمریکایی در آنجا فعالیت‌های گسترده‌ای را شروع کرده بودند؛ در انتخاب ساوجبلاغ برای تاسیس مرکز میسیونری بی‌تاثیر نبود.



صفحه اول ماهنامه کردستان میسنری (گوفاری کوردستان میسنیری، سالی ۱۸ ژماره ۹، سپتامبری ۱۹۲۷، وهرگیراو

له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>

پس از تاسیس میسون کردستان یک گروه شامل کشیش فاسوم، خانم آگوستا گودهارت (پرستار)، خانم متافون شولنبرگ آلمانی (معلم)، دکتر ادمان سوئدی و همسرش برای اعزام به ساوجبلاغ انتخاب شدند. کشیش فاسوم و دکتر ادمان قبل از سایرین در ۱۰ رمضان ۱۳۲۹ق/ ۴ سپتامبر ۱۹۱۱م به ساوجبلاغ رسیدند. در اولین جلسه این میسیون دکتر ادمان به عنوان رییس میسیون به مدت یک سال انتخاب و کشیش فاسوم نیز به عنوان معاون او و حسابدار میسیون منصوب شد. ابتدا فعالیت میسیون محدود به اجرای مراسم دینی برای مسیحیان ساوجبلاغ بود. فاسوم مسئول این کار بود و امورات مذهبی را با دقت تمام اجرا می کرد. در روزهای بعد با رسیدن دیگر اعضا و وسایل ضروری آنها درمانگاه و مدرسه‌ای نیز در این مرکز دایر شد (گوفاری کوردستان میسنیری، سالی ۲، ژماره ۲، نوامبری ۱۹۱۱، وهرگیراو له

سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>.

۱.۴ واکنش‌ها به ورود و آغاز فعالیت‌های میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

شروع فعالیت‌های میسیونرهای لوتری واکنش میسیونرهای پرسبیتی که از دو دهه قبل در میان مسیحیان ساوجبلاغ فعالیت می‌کردند را در پی داشت. دو نفر از اعضای میسیون پرسبیتی به نام‌های «حکیم داود و حکیم سلیمان» علیه میسیون کردستان شروع به تبلیغات کردند. علاوه بر آن گروهی از ملاهای ساوجبلاغ نیز با داشتن ذهنیت قبلی نسبت به میسیون لوتری پوتسدام با آمدن این میسیون تازه مخالف بودند. در روزهای بعد که مدرسه و درمانگاه میسیون راه‌اندازی و رفت و آمد اهالی مسلمان به این میسیون بیشتر شد، اعضای میسیون آشکارا مردم را به دین مسیح راهنمایی می‌کردند، همین مساله نه تنها باعث افزایش مخالفت‌ها بلکه باعث شد تا محمدحسین خان حاکم با وجود گذشت چندین روز از حضور میسیونرهای تازه‌وارد، پیش آنان نرود و نسبت به آنان بدگمان باشد (ساوخ، ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۲).



مرکز میسون کردستان در ساوجبلاغ؛ جمادی‌الاول سال ۱۳۳۱ق (قازی، سلیمی):

<https://ruwange.blogspot.com>، ۱۱ دیسامبری ۲۰۰۹).

نگاه بدبینانه برخی اهالی و مخصوصاً ملاهای ساوجبلاغ نسبت به فعالیت‌های میسیون کردستان در همان ماه‌های اول باعث دردسر و گرفتاری اعضای میسیون شد. کشیش فاسوم که در اجرای مراسم دینی و انجام فعالیت‌های میسیون سختگیری و نظارت دقیقی داشت، ناقوسی را که میسیون از سفارت روس به صورت امانت گرفته بود را بر گوشه‌ای از دروازه نصب و هر روز صبح «چهار پنج بار» برای اعلام آغاز مدرسه ابتدایی و همچنین در روزهای یکشنبه برای دعوت مردم به مراسم عبادت به صدا درمی‌آورد. اهالی ساوجبلاغ که با این صدا آشنایی نداشتند، آن را نشانه کفر دانسته و از بابت آن ناخشنود بودند. مطابق گزارش کارگزاری ساوجبلاغ میسیون آمریکایی تنها در روزهای یکشنبه ناقوس را به صدا در می‌آورد ولی در روز دوشنبه، هشتم ربیع‌الاول ۱۳۳۰ ق/ ۲۶ فوریه ۱۹۱۲ م کارکنان مدرسه صبح زود ناقوس را برای گردآوردن شاگردان به صدا درآوردند. طلاب یکی از مساجد که نسبت به آمریکایی‌ها سوءنیت داشتند و می‌دانستند که صبح زود موقع به صدا درآوردن ناقوس نیست، این کار را اهانتی به دین اسلام دانسته، درصدد انتقام از آنان برآمدند (ساوخ، ۱۳۳۰-۲۲-۲۴-۱۲). در روز مذکور طلبه‌ها در خیابان طبل زده و مسلحانه به سوی میسیون به راه افتادند. قبل از رسیدن آنها به میسیون، کشیش فاسوم کارگزاری و حکومت و شهیندر عثمانی را خبر کرده بود. شهیندر بلافاصله دو عسکر را فرستاده بود، سپس خودش همراه حاکم و کارگزار و چند تن از علما به آنجا رفته بود. آنها با زحمت زیاد مبلغان آمریکایی را از این مخمصه نجات دادند. پس از این واقعه سردار مگری، حاکم ساوجبلاغ گروهی از مشارکت‌کنندگان در این حمله را دستگیر و تنبیه نمود. همچنین چهار سرباز را مامور نگهداری شبانه‌روزی از میسیون کردستان کرد. فاسوم در گزارشش به کردستان میسنری، موفقیت در این قضیه را «پیروزی بزرگی برای عیسی در کردستان نامید» (گوفاری کوردستان میسنری، سالی ۳، ژماره ۳، مه ۱۹۱۲، و مرگیرا له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

۲.۴ فعالیت‌های پزشکی و خدماتی میسیون کردستان

فعالیت‌های پزشکی جایگاه مهمی در برنامه‌های میسیون‌ها در ایران داشت. میسیونرها با استفاده از دانش پزشکی در پی آن بودند تا گرایش اهالی را به سمت خود جلب کنند. هورنله مبلغ آلمانی معتقد بود که تنها راهی که می‌توان از طریق آن در میان کردها نفوذ کرد تحت عنوان پزشک است (والدبرگر، ۱۳۷۹: ۱۴۳). در آن دوره کردستان مگری فاقد

کمترین امکانات بهداشتی و پزشکی بود و شیوه‌های درمانی بومی و سنتی حکیمان محلی چندان جوابگو نبود. مدت کوتاهی پس از ورود میسیونرهای آمریکایی به ساوجبلاغ درمانگاهی به سرپرستی دکتر ادمان سوئدی راه‌اندازی شد، خانم گودهارت نیز به عنوان یک پرستار و ماما وی را یاری می‌داد. همچنین آنها هر از گاهی از روستاهای منطقه دیدار و بیماران را مداوا می‌کردند. پس از مدتی شعبه دیگری از درمانگاه میسیون کردستان در روستای نقده که شماری مسیحی داشت، تاسیس شد و خانم آگوستا گودهارت به آنجا منتقل شد (گوفاری کوردستان میسنیزی، سالی ۲، ژماره ۲، نوامبر ۱۹۱۱، وهرگیراوه له سائیتی: <https://ruwange.blogspot.com>). این اقدامات تاثیر بسزایی در شکل‌گیری دیدگاه مثبت اهالی نسبت به فعالیت‌های میسیون کردستان داشت.

یکی دیگر از اقدامات میسیون کردستان در دور اول فعالیت‌هایشان در ساوجبلاغ تاسیس یتیم‌خانه بود. این بخش توسط یک معلم آلمانی به نام خانم شولنبرگ اداره می‌شد. او ابتدا چهار و بعداً ده یتیم را تحت آموزش و مراقبت قرار داد. با ارائه این خدمات روابط اهالی ساوجبلاغ و ادارات حکومتی با میسیونرهای لوتری آمریکایی بیش از پیش بهبود یافت. میسیونرها با حاکم شهر، کنسول روس، شهیندر عثمانی و بزرگان مگری در ارتباط بودند. به همین سبب یکی از اهالی ساوجبلاغ زمین باارزشی به مساحت تقریبی نیم هکتار را به میسیون واگذار کرد. فاسوم در این زمین کلیسایی احداث کرد اما پس از پایان دور اول فعالیتشان ویران شد. همچنین مالکانی از روستاهای ایندرفاش و اطمیش و خاتون‌باغ به آنها قول دادند که در صورت باز نمودن مدرسه یا درمانگاه در روستای آنان، مخارجشان را برعهده بگیرند (سهرچاوه‌ی پیشوو: سالی ۱، ژماره ۱۲، دسامبر ۱۹۲۰).



دکتر ادمان سوئدی (سمت راست) و لوئیس اولسن فاسوم (گوفاری کوردستان میسنیزی، سالی ۱، ژماره ۳، دسامبر ۱۹۱۰، وهرگیراوه له سائیتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

۳.۴ فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی میسیون کردستان

همچنانکه هورنله در گزارش خود اشاره کرده بود یکی از مشکلات تبلیغ در میان کردها سطح پایین سواد و عدم علاقه آنها به آموزش بود. دایر کردن مدرسه و تلاش برای آموزش خواندن و نوشتن به اهالی یکی از مهم‌ترین اقدامات میسیونرهای آمریکایی در دور اول فعالیتشان در ساوجبلاغ بود. این مدرسه مخصوص دانش‌آموزان ابتدایی بود و در ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۹ق/ ۱۸ دسامبر ۱۹۱۱، با ۱۸ دانش‌آموز پسر و ۳ دانش‌آموز دختر در چهار پایه افتتاح شد. از آنجا که از میان اعضای میسیون تنها فاسوم می‌توانست با زبان کردی صحبت کند، میسیون دو معلم بومی از مسیحیان ساکن ساوجبلاغ و یک معلم مسلمان به نام «میرزا رحمان حاجی نوروز» را به منظور تدریس در مدرسه ابتدایی و همچنین آموزش زبان کردی به سایر میسیونرها استخدام کردند. غیر از مدرسه ابتدایی چند نفر از جوانان ساوجبلاغ از جمله مصطفی قاضی^۴ خواستار یادگیری زبان انگلیسی شدند (سرچلوه‌ی پیشوو: سالی ۲، ژماره ۹، ژوئنی ۱۹۱۲). بدین ترتیب کلاس جوانان با یازده نفر تشکیل شد اما پس از به وجود آمدن مشکل ناقوس که قبلاً به آن اشاره شد، شمار آنها به ۳ نفر کاهش یافت. همچنین یک کلاس هم مخصوص تلاوت و خواندن انجیل در بعد از ظهرهای یکشنبه تشکیل می‌شد (همان).

مشکل بزرگ مدرسه نبودن کتاب و متون درسی برای تدریس به زبان کردی بود. بیشتر دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی غیر از زبان کردی زبان دیگری نمی‌دانستند. به همین خاطر کشیش فاسوم در اولین فرصت با کمک معلمان مدرسه شروع به ترجمه متون دینی به زبان کردی کرد. فاسوم برای این کار ابتدا الفبایی متشکل از ۲۸ حرف عربی و ۴ حرف فارسی تهیه کرد و بر آن اساس چند متن مذهبی از جمله پایه‌های مسیحیت لوتری، کتاب ریاضی و شمارش، کتاب شعرانی روحانی (شعرهای روحانی) را به کردی ترجمه نمود. کتاب شعرانی روحانی شامل صد سرود مذهبی بود که از زبان‌های انگلیسی، نروژی، سوئدی و آلمانی به کردی ترجمه شده بودند. نسخه‌های دست‌نویس این کتاب‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار داشت و حدود یک سال طول کشید تا این کتاب‌ها به چاپ رسیدند. فاسوم در سال‌های بعد هر چهار انجیل را به زبان کردی مکرر ترجمه کرد. مهم‌ترین اثر فاسوم کتاب دستورزبان کردی با لهجه مکرری بود. این اثر تز دکترای فاسوم بود و آن را به

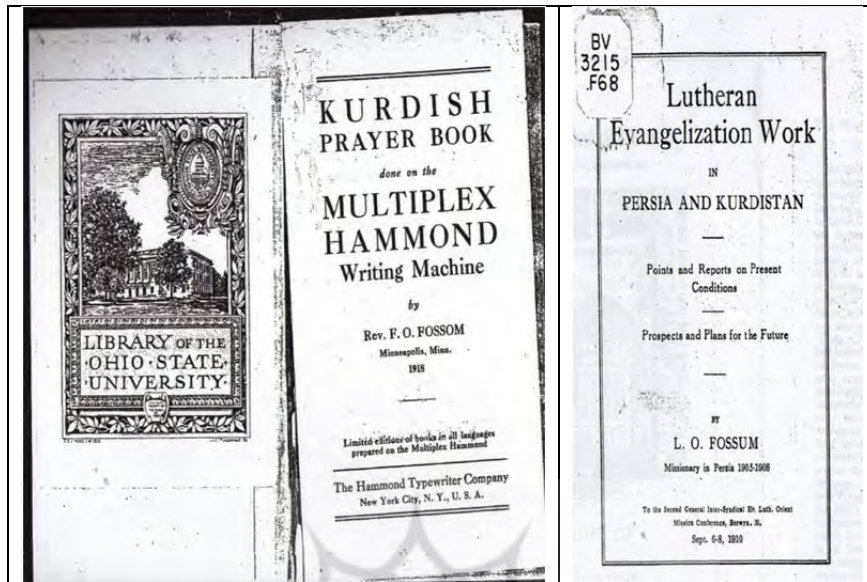
میسون کردستان: بررسی فعالیت ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۶۱

روح الکساندر ایاس^۵ تقدیم نمود (همان، قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>: ۹مارسی ۲۰۰۹). این کتاب در سال ۱۹۱۹م/۱۳۳۷ق در آمریکا منتشر شد.



اولین دستور زبان کردی سورانی با لهجه مگری و کتاب شعرانی روحانی با زبان کردی که هر دو در دوره اول فعالیت میسیون کردستان توسط دکتر لوئیس اولسن فاسوم تهیه شدند (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>: ۹مارسی ۲۰۰۹؛ ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دو اثر دیگر فاسوم: بشارت لوتری و کتاب دعای کردی (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>: ۹:۰۹ مارس ۲۰۰۹).

۴.۴ شروع جنگ جهانی اول و پایان دور اول فعالیت میسیون کردستان

شروع جنگ جهانی اول ادامه فعالیت میسیونرهای آمریکایی را با مشکلات جدی روبرو ساخت. کشیش مان پیشوای لوتریان آمریکا به اعضای میسیون کردستان توصیه کرده بود که اگر در اثر جنگ خطری متوجه آنان شد، به آمریکا بازگردند. در سال ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م با رسیدن نیروهای عثمانی به نزدیک ساوجبلاغ، دکتر ادمان و همسرش همراه تعداد دیگری از میسیونرها شهر ساوجبلاغ را ترک و به آمریکا بازگشتند. لیکن کشیش فاسوم، خانم شولنبرگ و خانم گودهارت علیرغم آگاهی از خطری که جان آنان را تهدید می‌کرد، حاضر به تنها گذاشتن مردم نبودند. فاسوم در جواب کشیش «مان» گفته بود که ما کار را بخوبی شروع کرده و با این همه سرمایه‌گذاری حاضر به ترک ساوجبلاغ نیستیم. به همین خاطر همزمان با ورود نیروهای عثمانی به ساوجبلاغ، فاسوم به شهیندر عثمانی پناه برد و میسیونرهای آمریکایی به واسطه حمایت شهیندر و گذاشتن دو نگهبان برای محافظت از آنان، از قتل و غارت نجات پیدا کردند و نیروهای عثمانی آسیبی به آنها نرساندند. با وجود این پس از ورود نیروهای روسی به ساوجبلاغ و قتل عام اهالی توسط آنان، در پی

میسون کردستان: بررسی فعالیت ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۶۳

ضرب‌الاجل نیروهای روس در ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ق / ۱۱ فوریه ۱۹۱۶ تمامی اعضای میسیون آمریکایی مجبور به ترک ساوجبلاغ شدند و بدین ترتیب دور اول فعالیت آنها در مکریان به پایان رسید (گوفاری کوردستان میسنزری، سالی ۶، ژماره ۱۱، نوتی ۱۹۱۵، وهرگیراوله سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

۵. دوره دوم فعالیت میسیون کردستان (۱۳۰۰ شمسی / ۱۹۲۱م)

پس از پایان جنگ جهانی اول میسیون لوتری آمریکا تصمیم به بازگشایی میسیون کردستان و شروع مجدد فعالیت در ساوجبلاغ گرفت. به همین منظور در سال ۱۳۳۷ق / ۱۹۱۹م شش نفر شامل کشیش فاسوم، خواهرش آلمانا فاسوم، خانم آگوستا و گودهارت، خانم آنا شوینهود، کشیش جورج باشیمون و همسرش نیویورک را به قصد ساوجبلاغ ترک کردند. لیکن آنها به علت بسته بودن مرز ارمنستان و ایران، برای مدتی مجبور به توقف در ارمنستان شدند. در همان اثنا در ۱۳۳۹ق / ۱۸۱۹۲۰م کشیش فاسوم در اثر بیماری در سن ۴۲ سالگی در ایروان درگذشت. مدتی بعد با باز شدن راه تبریز دیگر اعضای میسیون از مرز ایران عبور و در ۷ خرداد ۱۳۰۰ش / ۲۸ می ۱۹۲۱م به ساوجبلاغ رسیدند (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>; ۹ ماری ۲۰۰۹). از گزارشات منتشر شده در کردستان میسنزری پیداست که ساکنان ساوجبلاغ از حضور مجدد اعضای میسیون خوشحال و از آنها استقبال نموده‌اند. اعضای میسیون به محض ورود به ساوجبلاغ متوجه تغییرات زیاد آن شهر به نسبت دوره قبل شدند. در طول جنگ جهانی اول بخش زیادی از شهری ویران و جمعیت آن نیز به کمتر از نصف کاهش یافته بود. در اولین جلسه میسیون، کشیش باشیمون به عنوان رییس میسیون کردستان انتخاب گردید. پس از آن برنامه‌ریزی برای اجرای برنامه‌های میسیون آغاز شد. اجرای مراسم دینی، راه‌اندازی مدرسه و شروع بکار مجدد درمانگاه جزو فعالیت‌های این دور میسیون کردستان بود. مدرسه میسیون توسط خانم شوینهود اداره می‌شد و ۹ کودک مسیحی در آنجا درس می‌خواندند. همچنین دو نفر از جوانان ساوجبلاغ نیز برای یادگیری زبان انگلیسی در کلاس‌ها شرکت می‌کردند (گوفاری کوردستان میسنزری، سالی ۱۲، ژماره ۱۰، نوکت‌زوری ۱۹۲۱، وهرگیراوله سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).



آگوستا گودهارت، آنا شوینهود، آلمان فاسوم خواهر لوئیس اولسن فاسوم (قازی،
سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>: ۱۴ و ۲۱ و ۲۶ ی مارس ۲۰۰۹).

عمر دومین دوره فعالیت میسیون کردستان در ساوجبلاغ کوتاه و تنها چهار ماه و نیم بود. این دوره از فعالیت میسیون مقارن شورش سمکو علیه دولت قاجار بود. مرکز میسیون در روز تصرف و غارت ساوجبلاغ توسط نیروهای شکاک سمکو (۱۵ مهر ۱۳۰۰ش/ ۷ اکتبر ۱۹۲۱م) همانند سایر خانه‌های آن شهر غارت گردید و کشیش باشیمون و یک خدمتکار کشته شدند. در این واقعه اعضای میسیون تلخ‌ترین حادثه تاریخ حضورشان در کردستان را تجربه کردند. سمکو از بابت این حادثه معذرت‌خواهی نمود و چند نفر را مامور مراقبت از آنها کرد. خانم‌های میسیونر با زحمت فراوان باشیمون را در کنار قبر دامان به خاک سپردند؛ سپس یک هفته بعد اعضای میسیون، ساوجبلاغ را به مقصد تبریز ترک کردند. بدین ترتیب دومین دوره فعالیت میسیون کردستان پایانی غم‌انگیز داشت (سهرچلوهی پیشوو: سالی ۱۳، ژماره ۲، فیورییهی ۱۹۲۲).

۶. دور پایانی فعالیت میسیون کردستان در ساوجبلاغ (۱۳۰۲ تا ۱۳۱۴ش/ ۱۹۲۳ تا ۱۹۳۵م)

در آذر ۱۳۰۲ش/ دسامبر ۱۹۲۳م میسیون لوتری آمریکا برای بار سوم تیمی قوی از اعضایش را به منظور بازگشایی میسیون کردستان در ساوجبلاغ روانه ایران کرد. اعضای این

دوره عبارت بودند از دکتر شالک آلمانی و همسرش هیدویگ، خانم گودهارت، خانم آنا شوینهود، خانم ایمیلیا اندرسون و دخترش سارا. این افراد به سرپرستی دکتر شالک در ۱۸ دیماه ۱۳۰۲ش / ۹ ژانویه ۱۹۲۴م به ساوجبلاغ رسیدند. دکتر شالک در همان ابتدا علاوه بر ساختمانی کهنه، قطعه زمین بزرگی را به در کنار رود ساوجبلاغ خریداری کرد (سهرچاوهی پیشوو: سالی ۱۵، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۴). قسمتی از آن ساختمان به مدرسه اختصاص یافت. در این مدرسه چند کودک مسیحی و تعدادی کودک کرد مشغول یادگیری زبان انگلیسی شدند (بهبودی، ۱۳۹۳، ج ۵: ۱۸). تلاش دکتر شالک برای احداث ساختمانی برای مسیون با مخالفت نایب سرهنگ یوسف‌خان، حاکم ساوجبلاغ روبرو شد. حاکم در گزارش خود به لشکر غرب، دکتر شالک را شخصی مشکوک و دارای امیال سیاسی معرفی و نوشت: «ماندن مسیون آمریکایی در ساوجبلاغ و معاشرت او با کردها به عنوان طبابت و غیره مضر، و اگر برای تبعید آنها از ساوجبلاغ تدبیری اتخاذ شود، خیلی مفید خواهد بود». یوسف‌خان مخصوصاً از خانم گودهارت که با زبان‌های کردی و فارسی و ترکی تکلم می‌کرد، هراسیده بود. از آن طرف سفارت آمریکا هم از اقدامات مسیون دفاع و از کارگزاران ایران خواست تا اگر مدرکی دال بر ضدیت فعالیت‌های مسیون با منافع کشور ایران دارند را ارائه دهند (همان، ۸۰ و ۱۱۰). در اثر دفاعیات سفارت آمریکا حاکم ساوجبلاغ نتوانست مانع فعالیت‌های مسیون شود؛ از این رو کار ساخت بیمارستان با سرعت پیش رفت و در ۲۳ تیر ۱۳۰۵ش / ۱۵ ژوئن ۱۹۲۶م مرکز مسیون به ساختمان جدید انتقال یافت. لازم به ذکر است که هر ساله با فرا رسیدن فصل گرما مسیونرها تمام تشکیلات خود را به یکی از ییلاقات ساوجبلاغ به نام «کانی شیخان» برده و حدود دو ماه گرم سال را در آنجا بسر می‌بردند (گوفاری کوردستان میسنیزی، سالی ۱۷، ژماره ۹، سپتامبری ۱۹۲۶، وهرگیراوله سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).



عکس قسمتی از ساختمان میسیون کردستان در ساوجبلاغ (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>; ۲۸ نوامبر ۲۰۰۹).

۱.۶ فعالیت‌های پزشکی میسیون کردستان در دوره سوم

در این دوره میسیونرهای لوتری از همان ابتدا توجه زیادی به فعالیت‌های پزشکی داشتند؛ در واقع نقطه قوت اصلی آنها تاسیس بیمارستان کوچکی به نام بتلهم گتسامن (Gethsemane & Bethlehem) بود. نام این بیمارستان از نام دو کلیسای لوتری گرفته شده بود. دکتر هرمان شالک آلمانی که تنها پزشک و جراح این بیمارستان بود، ریاست آنجا را برعهده داشت. همزمان با شروع فعالیت‌های پزشکی میسیونرهای آمریکایی، دو پزشک روسی و دو پزشک سریانی در ساوجبلاغ به کار طبابت مشغول بودند. آنها مخالف دایر شدن بیمارستان میسیون بودند و علیه میسیونرها به تبلیغات می‌پرداختند. با این وجود بیشتر بیمارانی که به عمل جراحی نیاز داشتند، ناچار به بیمارستان میسیون مراجعه می‌کردند. گویا دکتر شالک هزینه کمتری نسبت به سایر طبیبان ساوجبلاغ دریافت می‌کرد و برخی از نیازمندان را نیز رایگان معالجه می‌کرد. او همچنین گاو، گوسفند و حتی یونجه را هم بابت دستمزد از بیماران قبول می‌کرد. در سال ۱۳۰۵ ش/۱۹۲۶م میسیون کردستان صاحب ۱۳ راس گاو، ۲۰ راس بز و چند گوسفند بود که بابت ویزیت یا عمل جراحی از بیماران دریافت شده بود (گورقزای کوردستان میسننیری، سالی ۱۷، ژماره ۷ و ۸، ژوئیه و اوتی ۱۹۲۶، و مرگیراوه سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

خدمات رایگان بیمارستان به بیماران مبتلا به جزام که از آنها تحت عنوان «گول» یاد می‌شد، از دیگر اقدامات خیرخواهانه میسیون بود. معمولاً هر هفته یک بار دکتر شالک یا یکی دیگر از پرستاران داروهای مورد نیاز این بیماران را به روستایی که از آن تحت عنوان «روستای گولان» (بصره) یاد شده، می‌رساندند. این روستا در اثر حمله روس‌ها ویران شده بود و در آن زمان تنها ۱۱ نفر از این بیماران در آنجا زندگی می‌کردند. چند سال بعد شمار بیماران «گول» تحت پوشش میسیون به ۹۶ نفر رسید. با وجود این اقدامات خیرخواهانه، در گزارشات میسیون در کردستان میسنری، از بیماری‌های هم صحبت به میان می‌آید که به خاطر نداشتن پول عمل جراحی، در بیمارستان پذیرش نشده و پس از مدتی فوت کرده‌اند (سرچوهِ پینشو: سالی ۱۸، ژماره ۹، سنیتامبری ۱۹۲۷؛ سالی ۱۹، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۸).

جدول آماری فعالیت‌ها و هزینه و درآمد بیمارستان میسیون کردستان در طول سالهای ۱۹۲۴م تا ۱۹۲۶م (گوفاری کوردستان میسنری، سالی ۱۷، ژماره ۷ و ۸، ژوئنی و نوتی ۱۹۲۶، وهرگیرا و له سایتی:

(<https://ruwange.blogspot.com>)

سال	شمار بیماران	بیماران بستری	عمل جراحی سنگین	عمل جراحی ساده	جراحی دندان	واکسن	درآمد	هزینه
۱۹۲۴ (زمستان ۱۳۰۲ تا زمستان ۱۳۰۳ ش)	۳۵۸۱	۱۱۴	۱۹	۲۲۴			۷۹۵ دلار و ۵۵ سنت	۳۸۹۰ دلار
۱۹۲۵ (زمستان ۱۳۰۳ تا زمستان ۱۳۰۴ ش)	۳۹۲۲	۱۶۵	۳۹	۴۱	۷۵	۱۶۰	۱۲۰۷ دلار و ۶۶ سنت	۲۶۶۷ دلار
۱۹۲۶ (زمستان ۱۳۰۴ تا زمستان ۱۳۰۵ ش)	۲۶۶۵	۹۸	۴۴					۴۸۳۱ دلار

اعضای میسیون کردستان غیر از خدماتی که در ساوجیلاغ انجام می‌دادند، به نواحی اطراف هم سرکشی می‌کردند. در سال ۱۳۰۳ ش/۱۹۲۴م دکتر شالک و خانم شوینهود در یک گشت چهل روزه به ارومیه، سلماس، خوی، ماکو، مرند، تبریز، مراغه، میاندوآب و چندین روستا سفر کردند و بیماران زیادی را ویزیت نمودند. در غیاب دکتر شالک، خانم گودهارت^۷ امورات بیمارستان میسیون را اداره می‌کرد (سرچوهِ پینشو: سالی ۱۵، ژماره ۸، نوتی ۱۹۲۴).

در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م میسیون لوتری مرکزی در نیویورک یک بازرس به نام کشیش آلفرد بیوگر را برای بازدید میسیون کردستان به ساوجبلاغ روانه کرد. بیوگر در این بازدید متوجه شد که دکتر شالک تصرفاتی در اموال میسیون کرده است. به همین سبب دکتر شالک اخراج و به آلمان بازگشت. پس از رفتن دکتر شالک، دکتر جورج یوناتان (George Jonatan) از پزشکان مقیم ساوجبلاغ به همراه سایر اعضای میسیون و پرستاران ساوجبلاخی بیمارستان را اداره می‌کردند (سرچاوه‌ی پیشوو: سالی ۲۰، ژماره ۲، فورییه‌ی ۱۹۲۸). بیوگر در پایان بازدیدش از میسیون کردستان، در گزارشی که به میسیون مرکزی نیویورک نوشت، با استناد به بازدید چند ماهه‌اش و گزارشات دیگر بازدیدکنندگان از سایر میسیون‌های فعال در ایران، ادعا کرد که هیچ کدام از مراکز میسیون ایرانی به اندازه میسیون کردستان امیدبخش نیست (سرچاوه‌ی پیشوو: سالی ۱۹، ژماره ۱، ژانوییه‌ی ۱۹۲۸).

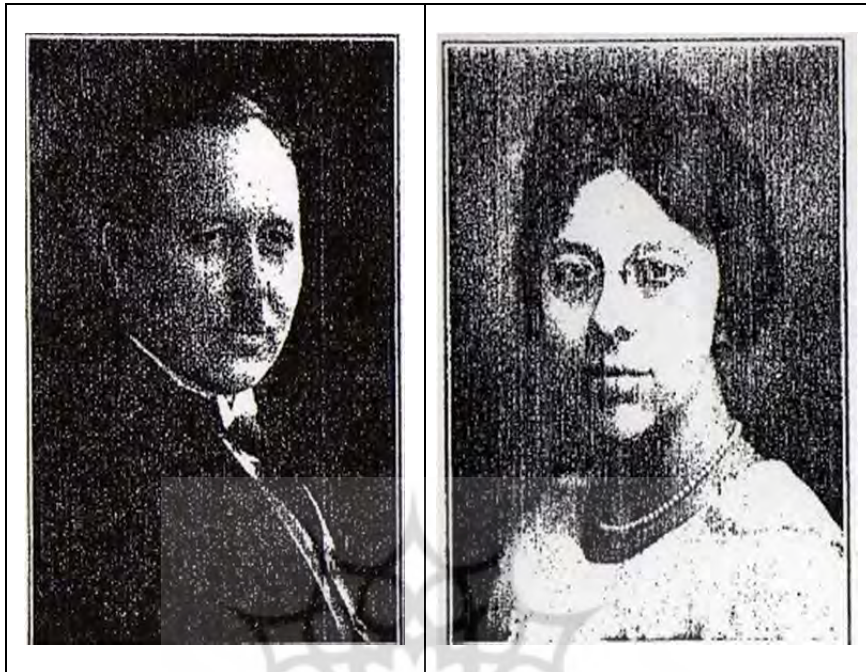
۲.۶ فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی

اعضای میسیون کردستان در دور سوم، اهمیت کمتری به مدرسه و فعالیت‌های آموزشی دادند. در واقع بیشتر فعالیت آنان به بیمارستان اختصاص یافته بود. مدرسه میسیون تنها پس از اتمام کار ساختمان جدید در سال ۱۳۰۵ش/۱۹۲۶م با کمتر از ۱۰ دانش‌آموز آغاز به کار کرد. بزرگان شهر از جمله قاضی علی (پدر قاضی محمد) مردم را به خودداری از فرستادن فرزندانشان به مدرسه میسیون تشویق می‌کردند. قاضی علی اگرچه با اعضای میسیون همکاری نزدیکی داشت و مورد تمجید اعضای میسیون بود، لیکن درس خواندن دانش‌آموزان در مدرسه میسیون را سبب تغییر دین آنها می‌دانست. به همین سبب والدین کمی مایل به ثبت‌نام فرزندانشان در این مدرسه بودند و بیشتر دانش‌آموزان فرزندان مسیحیان ساوجبلاغ و خدمتکاران مشغول به کار در میسیون بودند. علاوه بر این چند جوان ساوجبلاخی از جمله قاضی محمد نزد اعضای میسیون مشغول یادگیری زبان انگلیسی بودند و در برابر این کار می‌بایست به اعضای میسیون زبان کردی یاد بدهند (گوفاری کوردستان میشنیری، سالی ۱۸، ژماره ۶، ژوئیه‌ی ۱۹۲۷، و مرگراوله سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

از دیگر فعالیت‌های میسیون کردستان در این دوره، پرورش و مراقبت از چند کودک یتیم بود. این یتیمان پس از رسیدن به سن رشد، با یادگیری حرفه‌هایی همچون نجاری

زندگی خود را می‌چرخاندند (گوفاری لوتران اورینت میشن، سالی ۲۷، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۶،
وهرگیراوه له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

در دوران رضاشاه همزمان با افزایش تعداد مدارس دولتی در اقصی نقاط کشور، دولت برای نظارت انحصاری بر نظام آموزشی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای هویت‌سازی ملی از راه‌های گوناگون فعالیت مدارس غیردولتی را محدود و در ابتدا مدارس خارجی از جمله مدارس آمریکایی را مجبور به مطابقت کامل برنامه‌هایشان با پروگرام وزارت معارف، تدریس به زبان فارسی و تدریس جغرافیا و تاریخ ایران کرد (ساکما، ۲۹۷/۵۳۵۹: برگ ۲) و سپس به بهانه‌های مختلف در پی تعطیلی آنها برآمد. در اواخر پاییز سال ۱۳۰۶ش دولت پهلوی جلوی فعالیت مدرسه مسیون در ساوجبلاغ را گرفت. در پی این ممانعت اعضای مسیون درخواست فعالیت مدرسه را تنها برای یتیمان و کودکان کادر مسیون کردند اما با این امر هم موافقت نشد. از آن زمان دولت پهلوی نظارت بر کار مسیون کردستان را بیشتر کرد. دلیل این سختگیری ترس دولت پهلوی اول از بیداری حس ناسیونالیستی کردها بود. به گفته یکی از اعضای مسیون، دولت پهلوی با هر چیزی که منجر به بیداری ناسیونالیسم کردها می‌شد، مبارزه می‌کرد. در همین راستا دولت پهلوی اعلام کرد که ادامه فعالیت مسیون لوتری آمریکا در ایران مشروط به حذف نام کردستان از ماهنامه مسیون (کردستان میسنری) است. به همین خاطر در دیماه ۱۳۰۷ش / ژانویه ۱۹۲۹م نام ماهنامه کردستان میسنری به «لوتران اورینت میشن» (Lutheran Orient Mission) تغییر یافت.^۱ لوتران اورینت میشن هر دو ماه یکبار منتشر می‌شد و انتشار آن تا سال ۱۹۶۳م/۱۳۴۲ش ادامه داشت (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>؛ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹).



خانم ایمیلیا اندرسون و دکتر هرمان شالک(قازی)، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>; ۲۰یمه‌ی ۲۰۰۹؛
۳ی ژوئن‌ی ۲۰۰۹).

۳.۶ فعالیت‌های تبلیغی و مذهبی

اعضای میسیون کردستان در زمینه تبلیغ مسیحیت و تلاش برای جلب کردها به مسیحیت توفیق چندانی حاصل نکردند. در دور اول فعالیت میسیون آنها توانسته بودند چند مسلمان را به تغییر دین متمایل کنند لیکن در این دور دستاوردها کمتر بود و غیر از دو نفر از کارکنان میسیون با نامهای حسین حبیبی و عزیز زندی کسی حاضر به این کار نشد. یکی از اعضای میسیون (مولر) در توجیه این مسئله بیداری حس ناسیونالیستی کردها را عنوان کرد و گفت که کردها در این ایام نسبت به دین، چه اسلام و چه مسیحیت بی‌توجه شده و ناسیونالیسم کردی برایشان اهمیت پیدا کرده است. با این وجود مراسم روز یکشنبه مرتب برگزار می‌شد و حدود هفتاد نفر شرکت‌کننده داشت. در برخی مواقع بیماران بستری نیز در این مراسم شرکت می‌کردند. گاه هم جهت اجرای مراسم مذهبی به روستاهایی که دارای

میسون کردستان: بررسی فعالیت ... (کامران ثنایی و حسین رسولی) ۷۱

اتباع مسیحی بودند (همانند قملعه) سر می زدند (گوفاری لوتیران نوریانت میشین، سالی ۲۳، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۲؛ سالی ۲۶، ژماره ۱، ژانویهی ۱۹۳۵، وهرگیراوه سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

هنری مولر میسیونر آمریکایی در گزارش خود از سفری که در تابستان ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م به همراه دکتر کاکران برای انجام فعالیت‌های تبلیغی و پزشکی به مناطق عشایرنشین اطراف ساوجبلاغ، پسوه و سردشت رفته بود، ضمن تاکید بر این نکته که «ما هیچ‌گاه بدون هدفمان که همان ترویج مسیحیت است میان مردم نمی‌رویم» اشاره می‌کند که در سفر مذکور برای آنکه اهالی فکر نکنند تنها به خاطر موعظه و دعوت به انجیل به میان آنها رفته‌اند، سعی کرده‌اند با ارائه خدمات پزشکی، چنان وانمود کنند که مداوای بیماران هدف اصلی سفرشان است. سپس در ادامه می‌نویسد که او به لطف اقدامات پزشکی دکتر کاکران، «آزادانه» توانسته است «۲۵۰ کتاب، نشریه و اعلامیه را که در میانشان ۱۵ جلد انجیل، چندین متن مزمور، سه متن جدید و ۵۵ موعظه روی کوه» را در مدت ۹ روز و سفر در یک عرصه‌ی ۲۴۰ کیلومتری در میان ایلات و عشایر مسلمان منطقه پخش کند (سهرچاوهی پیشو: سالی ۲۴، ژماره ۶، نوامبری ۱۹۳۳؛ وهرگیراوه سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>). این مطلب به خوبی نشانگر آنست که فعالیت‌های تبلیغی میسیونرهای آمریکایی تنها محدود به اقلیت‌های دینی ساکن مکریان نبود و آنها تلاش کرده‌اند ضمن ارائه خدمات پزشکی تمام تلاش خود را برای ترویج دین مسیحیت در میان کردهای مسلمان منطقه به کارگیرند، هرچند به علت بافت مذهبی و سنتی منطقه آنها در این زمینه موفقیت چندانی کسب نکردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خانم مارتا دال از اعضای میسیون کردستان با یکی از همسایه‌های کرد (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>; ۳ ژوئیه ۲۰۰۹).



نمونه دومهنامه لوتران اوربانت میشن (گوفاری لوتیران نوربانت میشین، سالی ۱۹، ژماره ۲، مارس ۱۹۳۸، ودرگیر او له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

۴.۶ پایان فعالیت میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

در ۲۸ فروردین ۱۳۰۸ش / ۱۷ آوریل ۱۹۲۹ هنری مولر و همسرش برای اداره میسیون کردستان به ساوجبلاغ آمدند. آنها آخرین میسیونرهای این میسیون بودند و هفت سال تمام به خدمت در میسیون ساوجبلاغ مشغول شدند. در این دوره اصلاحات رضاشاه کم‌کم منجر به پیشرفت کشور شد. با احداث مدارس جدید و بیمارستان دولتی دیگر خدمات میسیون ضرورت چندانی نداشت. از طرف دیگر عدم تبعیت یک میسیون خارجی از قوانین داخلی ایران، نگرانی دولت را از بابت ترویج ناسیونالیسم کردی توسط آنها افزایش داده بود. از همین رو از اوایل دوره پهلوی فعالیت‌های میسیونرها تحت نظارت قرار گرفت تا این که در اواخر سال ۱۳۱۴ش / ۱۹۳۵م به کلیه میسیون‌های حاضر در مناطق کردنشین دستور داده شد مراکزشان را ترک و به یکی از شهرهای مرکزی ایران بیایند. در غیر این صورت باید از ایران خارج شوند (گوفاری لوتیران نوریانت میشین، سالی ۱۹، ژماره ۲، مارس ۱۹۳۸، و مرگبراوله سائیتی: <https://ruwange.blogspot.com>).

حاکم «ایالت غربی آذربایجان» در اردیبهشت ۱۳۱۵ / آوریل ۱۹۳۶ در نامه‌ای محرمانه به وزارت داخله ضمن اشاره به اینکه در پرونده‌های مربوطه هیچگونه مدرکی دال بر مجرم بودن آمریکایی‌های مقیم مهاباد^۹ وجود ندارد می‌نویسد:

در عین حال ایالت بطور قطع متقین است که آمریکایی‌ها در بین اکراد تبلیغاتی می‌نمایند و لیکن مدرک کتبی در دست نیست و در هر حال این ایالت اقامت آنها را در نقطه سرحدی مثل مهاباد میان اکراد که هنوز کردستان آذربایجان کاملاً خلع سلاح نشده است به صلاح نمی‌داند و به همین دلیل عقیده اینجانب این است که کردستان آذربایجان را که عبارت از مهاباد و بوکان و سلدوز و اشنویه باشد باید منطقه ممنوعه اعلان نمود که مقرر شود هیچ اجنبی در این قسمت‌ها سکونت ننمایند و باتباع خارجه حتی المقدور برای این قسمت ویزای ورود داده نشود (ساکما، ۳۱۰/۷۲۶۳۵: برگ ۱۷).

در جلسه دوم خرداد همان سال ریاست وزراء این مساله را به عرض رضاشاه رسانید و رضاشاه نیز تاکید نمود تا با نظر ایالت غربی آذربایجان در آن زمینه موافقت شود (ساکما، ۳۱۰/۷۲۶۳۵: برگ ۱۶). پس از آن دولت تلاش کرد تا با خرید عمارات و اراضی متعلق به میسیون در مهاباد زمینه اخراج آنها را فراهم آورد (ساکما، ۳۱۰/۷۲۶۳۵: برگ ۱۴). در همین راستا وزارت مالیه گروهی را مامور ارزیابی قیمت املاک میسیون که حدود ۱۲۲۵۰ متر

مساحت داشت، کرد. مولر، نماینده میسیون کردستان مبلغ پیشنهادی دولت که حدود ۴۹۶۳۳ ریال بود را نپذیرفت و حتی در کمیسیون ارزیابی مجدد قیمت نیز شرکت نکرد و اعضای میسیون هر بار به بهانه‌ای حاضر به فروش املاک خود و ترک مه‌باد نبودند (ساکما، ۳۱۰/۷۲۶۳۵: برگ ۸). تعلل اعضای میسیون در فروش املاک خود و ترک مه‌باد باعث شد تا وزارت داخله در هجدهم اردیبهشت سال ۱۳۱۶ش/ ۸ می ۱۹۳۷م به ایالت غربی آذربایجان دستور دهد تا ظرف ۱۰ روز اعضای میسیون آمریکایی را از مه‌باد اخراج و معامله را «با مبلغ ارزیابی سابق انجام دهند» (ساکما، ۲۹۳/۴۵۵۱: برگ ۳۰: ۳۶). فشارهای مامورین حکومتی سرانجام باعث شد تا مولر و خانم گودهارت آخرین اعضای میسیون آمریکایی مه‌باد را ترک نمایند و ایالت غربی آذربایجان از وزارت داخله خواست تا دیگر به هیچ وجه اجازه ورود این افراد و سایر اتباع خارجی به مناطق ممنوعه‌ای چون مه‌باد را ندهند (ساکما، ۲۹۳/۴۵۵۱: برگ ۲۵). به این ترتیب فعالیت میسیون کردستان در مه‌باد به پایان رسید اما میسیون مذکور تا چهار سال بعد در نواحی دیگر ایران از قبیل تبریز و تهران و آبادان به فعالیت ادامه دادند. سپس در سال ۱۳۱۹ش/ ۱۹۴۰م بنا به رسالتش که تبلیغ مسیحیت در کردستان بود، به کلی ایران را ترک و مرکزشان را به کردستان عراق و شهر اربیل انتقال دادند. در سال ۱۳۳۸ش/ ۱۹۵۹م با توجه به آنکه در کشور عراق، تمامی خارجی‌ها ملزم به خارج شدن از آن کشور شدند، میسیون کردستان بار دیگر به کردستان ایران و شهر پاوه آمدند. آنها بیمارستانی را در پاوه دایر کرده و با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ش/ ۱۹۷۹م به آمریکا بازگشتند و هنوز هم در آمریکا فعالیت دارند (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>: ۲۳ی سنیتامیری ۲۰۱۰).



هنری مولر و همسرش

۷. نتایج و آثار حضور میسیونرهای آمریکایی در ساوجبلاغ

هر چند همچنانکه اشاره شد هدف اصلی میسیونرهای آمریکایی از حضور و فعالیت در ساوجبلاغ همچون سایر مناطق ایران تبلیغ دین مسیحیت و تشویق اهالی برای گرویدن به آن مذهب بود و تمامی فعالیت‌های آموزشی، پزشکی، خیریه و... آنها نیز با هدف تسهیل همین امر صورت می‌گرفت و آنها موفقیت‌چندانی در این زمینه کسب نکردند، اما اقدامات و فعالیت‌های آنها نتایج و دست‌آوردهای مثبتی را به همراه داشت. تاسیس مدارس به شیوه جدید توسط میسیونرها نه تنها زمینه سوادآموزی و آشنایی برخی از جوانان ساوجبلاغی را با زبانهای اروپایی فراهم ساخت، بلکه اهالی را تشویق به تاسیس مدارس جدید ساخت و به تسریع و گسترش آموزش نوین در ساوجبلاغ یاری رساند. همچنین تلاش میسیونرها و علی‌الخصوص شخص فاسوم برای ترجمه انجیل و متون مذهبی به زبان کردی و نگارش دستور زبان کردی باعث ترویج بیشتر نوشتن متون به آن زبان در ساوجبلاغ شد.

از سویی دیگر در شرایطی که اهالی ساوجبلاغ از نبود مراکز پزشکی و بهداشتی رنج می‌بردند، میسیونرها با احداث درمانگاه، بیمارستان و یتیم‌خانه خدمات شایانی را به اهالی ارائه دادند. این مساله که خدمات درمانی آنها تنها منحصر به افراد حکومتی و بزرگان نبود بلکه تمامی اقشار جامعه حتی بیماران جذامی را دربرمی‌گرفت، باعث شد تا بعدها اهالی

ساوجبلاغ خاطرات خوبی از پزشکان میسیونر داشته باشند و از آنها به خوبی یاد کنند. (صمدی، ۱۳۷۳: ۳۹۶) شایان ذکر است گزارش‌های فراوان میسیونرها از اوضاع ساوجبلاغ و سایر مناطق مکریان و ارسال و چاپ آنها در ماهنامه کردستان میسنری، ماهنامه مذکور را به یکی از منابع ارزشمند برای آگاهی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و... مکریان تبدیل ساخته است. در واقع با توجه به کمبود منابع و اسناد مرتبط با تاریخ مکریان در دوره معاصر میسیونرهای آمریکایی با انتشار ماهنامه کردستان میسنری خدمت ارزشمندی به روشن ساختن تاریخ موکریان در اواخر دوره قاجار و دوره رضاشاه کرده‌اند.

۸. نتیجه‌گیری

در دوران قاجار گروه‌های مختلف میسنوری در نقاط مختلف ایران مشغول به فعالیت بودند. سکونت اقلیت‌های مذهبی در ولایت مکر، موقعیت مرزی و تجاری شهر ساوجبلاغ مرکز آن ولایت و تلاش برای ترویج آیین مسیحیت در میان کردها، سبب شد تا آن منطقه مورد توجه میسیونرهای مسیحی قرار گیرد. میسیونرهای لوتری آمریکایی موسوم به میسیون کردستان یکی از فعالترین گروه‌های میسنوری بودند که به صورت گسترده و برنامه‌ریزی شده در سه دوره مختلف شروع به فعالیت در ساوجبلاغ کردند. فعالیت‌های تبلیغی آنها در میان کردها و اقداماتی چون ترجمه انجیل و سایر متون مذهبی به زبان کردی و تلاش برای پخش آنها در میان اهالی نشانگر آنست که هدف اصلی میسیونرهای آمریکایی از تاسیس مرکز میسنوری در ساوجبلاغ نه تنها تلاش برای ترویج مذهب پروتستان در میان اقلیت‌های مذهبی بلکه تبلیغ دین مسیحیت در میان اهالی مسلمان ولایت مکر نیز بوده است، در همین راستا آنها برای جلوگیری از تحریک احساسات دینی اهالی، اهداف تبلیغی خود را در قالب ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی نظیر تاسیس مدارس به سبک جدید و همچنین خدمات درمانی و بهداشتی و خیریه نظیر تاسیس درمانگاه و یتیم‌خانه سازماندهی کرده بودند. واکنش اهالی ساوجبلاغ نسبت به ورود و فعالیت‌های میسیونرها متفاوت بود؛ در حالیکه در ابتدا ورود میسیونرها و فعالیت‌های تبلیغی آنها با مخالفت اهالی و علی‌الخصوص علما و روحانیان محلی روبرو و باعث بوجود آمدن مشکلاتی برای آنها شد، اما به مرور زمان و با گسترش فعالیت‌های پزشکی و خدماتی و تاسیس بیمارستان و یتیم‌خانه نه تنها از میزان مخالفت‌ها کاسته شد بلکه از حضور و فعالیت‌های آنها

علی‌الخصوص در دور دوم و سوم فعالیت‌هایشان استقبال شد. در پایان باید گفت هر چند میزان موفقیت میسیونرهای آمریکایی در زمینه تبلیغ و ترویج دین مسیحیت در میان اهالی ساوجبلاغ بسیار ناچیز و کوشش آنها در این زمینه با شکست مواجه گردید، اما آنها با تاسیس مدارس به سبک جدید زمینه را برای گسترش آموزش نوین در ساوجبلاغ فراهم ساختند و با تاسیس بیمارستان و یتیم‌خانه خدمات شایانی را به اهالی ارائه دادند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ولایت مکری منطق با جنوب استان آذربایجان غربی می‌باشد و در گذشته شامل شهرهای ساوجبلاغ (مه‌آباد)، سردشت، لاهیجان (پیرانشهر)، بوکان، سلدوز (نقده)، اشنویه و میاندوآب می‌شد. از این ولایت تحت نامهای کردستان مکری و مکریان هم نام می‌برند.
۲. تمام مطالب ترجمه شده ماهنامه کردستان میسنری به زبان کردی توسط آقای حسن قاضی در سایت روانگه، جزو مطالب بایگانی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی به آدرس (<http://ruwange.blogspot.com>) موجود و در این پژوهش نیز از این ترجمه‌ها استفاده شده است.
- 1- The American Board of Commissioners for Foreign Missions (ABCFM)
۴. مصطفی شوقی قاضی‌زاده پسر عبداللطیف قاضی در ساوجبلاغ نزد اعضای میسیون کردستان زبان انگلیسی خواند. او سپس برای ادامه تحصیلات به استانبول رفت. مصطفی شوقی در استانبول با روزنامه «هه‌تاوی کورد» همکاری داشت.
۵. الکساندر ایاس: کنسول روس در ساوجبلاغ بود. این فرد در اوایل جنگ جهانی اول در جنگی که مابین روسیه و عثمانی در میاندوآب روی داد، کشته شد.
۶. اعضای میسیون کردستان در سال ۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹م جنازه کشیش باشیمون را به گورستان مسیحیان در تبریز انتقال دادند (قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>؛ ای‌ف‌وکت‌وبری ۲۰۱۰).
۷. خانم آگوستا گودهارت بیش از همه میسیونرهای دیگر در میسیون کردستان در ساوجبلاغ خدمت کرد. او از ابتدای شروع کار میسیون کردستان در سال ۱۳۲۹ تا تعطیل شدن آن در سال ۱۳۱۴ شمسی (۱۳۴۸ق) در ساوجبلاغ حضور داشت. پس از آن نیز تا پایان کار میسیون در ایران ماند. دکتر امیر حسن‌پور در سال ۱۹۷۷ میلادی (۱۳۵۶ش) در آمریکا با وی دیدار نمود (قازی، سایتی روانگه: <https://ruwange.blogspot.com>؛ سالی ۲۰۰۹).

۸. ماهنامه لوتران اورینت میشن تا سال ۱۹۶۳م/۱۳۴۲ش منتشر شد. پس از آن نام ماهنامه میسیون کردستان به مسنجر (Messenger) تغییر یافت و این مجله نیز تا سال ۱۹۷۱م/۱۳۵۰ش به فعالیت ادامه داد(قازی، سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>؛ ۱۶:۱۰۹ توتی ۲۰۰۹).
۹. نام «ساوجبلاغ» در سال ۱۳۱۴ش به «مهاباد» تغییر یافت.

کتابنامه

الف) اسناد:

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه: سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۲۲، پوشه ۲۴، شماره ۱۲

سال ۱۳۳۰ق، کارتن ۲۲، پوشه ۲۴، شماره ۱۸

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران: شناسه سند، ۲۹۳/۴۵۵۱

شناسه سند، ۲۹۷/۵۳۵۹

شناسه سند، ۳۱۰/۷۲۶۳۵

ب) کتابها و مقالات

اصفهان، عبدالرزاق (۱۳۹۱)؛ ارومیه، اشنویه و رواندوز در ۱۲۲۰ هجری قمری، به کوشش رحیم اشنوئی محمودزاده، تهران: انتشارات توکلی

الدر، جان (۱۳۳۳)؛ تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان اوبن، اوژن (۱۳۶۲)؛ ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، بی-جا: چاپ نقش جهان

بهبودی، هدایت الله (۱۳۸۹)؛ روزشمار تاریخ معاصر ایران، جلد ۳، مربوط به سال ۱۳۰۲ش، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

دمورگان، ژاک (بی تا)؛ هیئت علمی فرانسه در ایران (ج ۱ و ۲)، ترجمه و توضیح، کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهر

صمدی، سید محمد (۱۳۷۳)؛ تاریخ مهاباد، مهاباد: رهرو

کرزن، جورج تانویل (۱۳۸۰)؛ ایران و قضیه ایران، ترجمه: غلام علی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

والدبورگر، آندراس (۱۳۷۹)؛ مبلغان آلمانی در ایران، مترجمان علی رحمانی، حسین رضوی، لادن مختاری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه

نادر میرزا (۱۳۶۰)؛ تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، مقدمه و شرح و تعلیقات و تنظیم فهرست های لازم از محمد مشیری، چاپ سوم، تهران: انتشارات اقبال (ج) منابع کردی:

قازی، حسنه (۲۰۰۹)؛ کومه له مقالاتیکی سهبارت به مسیونی لوتیری نهمریکا له سابلآغ که له نیوان سالهکانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ له سایتی روانگه بلاو بونهوه:

<https://ruwange.blogspot.com/2009/03/Sunday, March 29, 2009>

گوفاری کوردستان میسنیری (۱۹۱۰-۱۹۲۸)؛ مانگنامه میسینی کوردستان (مسیونی لوتیری نهمریکا له سابلآغ)، سالی ۲، ژماره ۲، نوامبری ۱۹۱۱؛ سالی ۳، ژماره ۳، مهی ۱۹۱۲؛ سالی ۳، ژماره ۹، ژوئنی ۱۹۱۲؛ سالی ۶، ژماره ۱۱، ئوتی ۱۹۱۵؛ سالی ۱۱، ژماره ۱۲، دیسامبری ۱۹۲۰؛ سالی ۱۲، ژماره ۱۰، ئوکتوبری ۱۹۲۱؛ سالی ۱۲، ژماره ۱۲، دیسامبری ۱۹۲۱؛ سالی ۱۳، ژماره ۲، فیورییهی ۱۹۲۲؛ سالی ۱۵، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۴؛ سالی ۱۵، ژماره ۸، ئوتی ۱۹۲۴؛ سالی ۱۶، ژماره ۴، ئاوریلی ۱۹۲۵؛ سالی ۱۷، ژماره ۷، ژوئییهی ۱۹۲۶؛ سالی ۱۷، ژماره ۸، ئوتی ۱۹۲۶؛ سالی ۱۷، ژماره ۹، سینیامبری ۱۹۲۶؛ سالی ۱۸، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۷؛ سالی ۱۸، ژماره ۹، سینیامبری ۱۹۲۷؛ سالی ۱۹، ژماره ۱، ژانوییهی ۱۹۲۸؛ سالی ۱۹، ژماره ۶، ژوئنی ۱۹۲۸؛ وهرگیران له نینگلیسی بو کوردی: حسنه قازی، وهرگیراو له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>

گوفاری لوتیران نوریانت میسنین (۱۹۲۹-۱۹۶۳)؛ دوومانگنامه میسینی کوردستان (مسیونی لوتیری نهمریکا له سابلآغ)، سالی ۲۳، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۲؛ سالی ۲۴، ژماره ۶، نووامبری ۱۹۳۳؛ سالی ۲۶، ژماره ۱، ژانوییهی ۱۹۳۵؛ سالی ۲۷، ژماره ۳، مهی ۱۹۳۶؛ سالی ۲۹، ژماره ۲، مارس ۱۹۳۸؛ وهرگیران له نینگلیسی بو کوردی: حسنه قازی، وهرگیراو له سایتی: <https://ruwange.blogspot.com>

(د) منابع عربی:

خورشیدباشا (۲۰۰۸)؛ رحلة الحدود بین الدولة العثمانية و ایران، ترجمة و تقديم: مصطفى زهران، قاهره، المركز القومي للترجمة

Pfeiffer, Ida (1852). A woman's journey round the world, from Vienna to Brazil, Chili, Tahiti, China, Hindostan, Persia, and Asia minor. An unabridged with tinted engravings. London, 337, Strand.

Rawlinson, H. C. (1840). "Notes on a Journey from Tabríz, Through Persian Kurdistán, to the Ruins of TakhtiSoleimán, and from Thence by Zenján and Tárom, to Gílán, in October and November, 1838; With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana". The Journal of the Royal Geographical Society of London, Vol. 10 (1840), pp. 1-64

Wagner, Moritz (1856). Travels in Persia, Georgia and Koordistan whith Sketches of the Cossacks and the Caucasus, in three volumes VOL III, London, hurst and blackett.